

## آندره نین

### بنیانگذار حزب کارگری وحدت کمونیستی



آندره نین نماینده ث. ان. ت. ، کنفدراسیون آنارشیست ها در کنگره ی بین الملل سندیکایی سرخ در سال ۱۹۲۱ بود، و به سمت دبیر آن انتخاب شد. در سال ۱۹۳۰ استالین او را به علت گرایش هائی که به سمت تروتسکی داشت از اتحاد جماهیر شوروی اخراج کرد. پس از بازگشتن اش به اسپانیا، رهبری اپوزیسیون کمونیست چپ را به عهده گرفت و تا زمان پیوستنش به بلوک کارگری دهقانی «موزن» و پایه گذاری «پوم» (حزب کارگری وحدت مارکسیستی) این سمت را به عهده داشت. وی در پائیز سال ۱۹۳۶، در مقام وزیر دادگستری در تشکیل حکومت زنرالیتیه کاتالونی (حکومت محلی در کاتالونی) شرکت جست. این همکاری انشعاب او را با تروتسکیزم (مارکسیزم انقلابی)، که قبلاً با تشکیل پوم و شرکت در جبهه ی خلق آغاز شده بود عمیق تر کرد. پس از قیام ماه مه ۱۹۳۷ در بارسلون، توسط استالینیست ها دستگیر، مفقودالایر و کشته شد.

## تجربه ی شوراها در روسیه

غنی ترین تجربیات طبقه ی کارگر در زمینه ی ایجاد تشکیلات دموکراتیک و طبقاتی خود در انقلابات ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ در روسیه به وقوع پیوست. در هر دو مورد شوراهای کارگری که بنا به ابتکار خود کارگران ساخته شده بودند نقش ویژه ای در سازماندهی مبارزات و نهایتاً در تسخیر قدرت در اکتبر ۱۹۱۷ ایفاء کردند. در زیر بخش هائی از مقاله ی آندره نین، یکی از رهبران جنبش کارگری اسپانیا را که برای شناساندن این تجربه به کارگران اسپانیا نوشته شده بود، می خوانید.

ترجمه ی فارسی این مقاله نخستین بار تحت عنوان "شوراها در روسیه" در نشریه ی کندوکاو، شماره ۷، بهار ۱۳۵۶ به چاپ رسید.

### شوراها در ۱۹۰۵

"نباید گذاشت که اعتصابات به طور پراکنده ظاهر شوند و خاموش گردند. بدین دلیل تصمیم گرفته ایم رهبری جنبش را در دست یک کمیته ی کارگری مشترک متمرکز کنیم. به هر کارخانه، هر کارگاه، و هر صنف پیشنهاد می کنیم که نمایندگان خود را، به میزان یک نماینده برای هر پانصد نفر انتخاب کنند. نمایندگان هر کارخانه یا کارگاه کمیته ی کارخانه یا کارگاه را تشکیل خواهند

داد. مجمع نمایندگان تمام کارخانه‌ها و کارگاه‌ها کمیته‌ی عمومی کارگران پترزبورگ را تشکیل خواهد داد."

این بیانیته‌ی اولین پلنوم شورای پترزبورگ در ۱۹۰۵ خطاب به زنان و مردان کارگر بود. بدین ترتیب شوراها‌ی نمایندگان کارگری، مرجع رسمی شوراها ظاهر شد و عمومیت یافت. نمایندگان تمام اقشار جامعه در این شورا متشکل شدند: نمایندگان اکثریت عظیم کارگران پایتخت، کارمندان و کارکنان ادارات و غیره و غیره... ولی در شوراها اعضاء احزاب انقلابی هم شرکت داشتند. به قول لنین، شورا وحدت مؤثر سوسیال دموکراسی انقلابی، کارگران انقلابی و دموکراسی انقلابی را تحقق داد. البته در این نکته در عین حال، هم قدرت و هم ضعف شوراها نهفته بود: قدرت آن از آنجا که تمام پرولتاریا را سازمان می‌داد و ضعف آن از آنجا که ابتکار و انرژی این توده‌ی پرولتاریا تا حدی به خاطر تردید و تزلزل خرده بورژوازی رادیکال خنثی می‌شد، نهایتاً این جنبه، خود یکی از علل شکست شورا گشت.

پترزبورگ در سال ۱۹۰۵ مرکز تمام وقایع بود و در خود پایتخت شورا مرکز تمام جنبش. و دلیل آن قبل از هر چیز به قول تروتسکی، که خود صدر این شورا بود، این بود که: "این سازمان پرولتری و فقط متشکل از طبقه‌ی کارگر، مشخصاً سازمان خود انقلاب بود". اضافه بر آن: "شورای نمایندگان کارگران به مثابه جوابی به یک نیاز عینی که جریان وقایع ایجاد کرده بود به وجود آمد، نیاز عینی به سازمانی که قدرت و اعتبار داشته باشد، توده‌های پراکنده‌ی پایتخت را سازمان دهد، گرایش‌های مختلف انقلابی در میان پرولتاریا را متحد کند، قادر به ابتکار عمل باشد، خود به خود به بازبینی و

کنترل اعمال خود بپردازد، و بالاخره از همه بتواند به فوریت و سرعت ساخته شود".

هیچیک از احزاب انقلابی موجود، هیچیک از سندیکاها قادر به ایفای چنین نقشی نبود. ولی الهام بخش برنامه‌ی سیاسی شورا، سوسیال دموکراسی بود. شعارهای اصلی آن سرنگونی حکومت مطلقه، ایجاد مجلس مؤسسان، جمهوری دموکراتیک و هشت ساعت کار در روز بود.

شورای پترزبورگ تمام امور سیاسی را در دست خود متمرکز کرده بود و از قدرت بی سابقه‌ای برخوردار بود. اعتصاب‌های عمومی سازمان داد، هشت ساعت کار در روز را با شیوه‌ی انقلابی در کارخانه‌ها به اجرا گذاشت، آزادی مطبوعات و مجامع را اعلام داشت و با در دست گرفتن چاپخانه‌ها و اماکن عمومی احقاق این آزادی‌ها را عملی ساخت، کمک به بیکاران را سازمان داد، با اعتصاب عمومی، تزاریزم را وادار به قطع جنگ در لهستان کرد. شورا شعار "خود را مسلح کنید!" را صادر کرد. شعاری که انعکاسی آتشین در میان پرولتاریا یافت. در کارخانه‌ها گروه‌های مسلح سازمان داده شد.

اعتبار و نفوذ شورا عظیم بود. همه‌ی مردم، همه‌ی توده‌های تحت استثمار، تمام قربانیان دستگاه سرکوب دولتی با اشتیاق به خواست کمک به شورا جواب مثبت می‌دادند. در آخرین دوران فعالیت شورا، رفت و آمد نمایندگان دهقانان افزایش یافته بود و روابط با سربازان هم رو به تحکیم می‌رفت.

### ساختار شوراهای

کارخانه، دژ عمومی شوراهای بود. معیارهای انتخابات، بنا به شهر و ناحیه تنوع قابل ملاحظه‌ای داشت ولی در همه جا مطلقاً تمام کارگرانی که در کارخانه کار می‌کردند، بدون محدودیت رتبه و سلسله مراتب در انتخابات

نمایندگان شرکت می‌کردند. در پترزبورگ و مسکو برای هر ۵۰۰ نفر یک نماینده انتخاب می‌شد و در برخی دیگر از شهرها برای هر ۱۰۰ نفر یا ۲۵ نفر، به علاوه هیچ معیار مشخص و انعطاف‌ناپذیری هم وجود نداشت. به هر حال شوراهای در همه جا اکثریت عظیم طبقه‌ی کارگر یا تقریباً تمام طبقه‌ی کارگر را نمایندگی می‌کردند. اعتبار آن‌ها در برخی نقاط به حدی بود که حتی برخی از خرده کاسبکاران نیز تظاهر به انتخاب شورا می‌کردند.

سازماندهی شوراهای چگونه بود؟ در اکثر نقاط کارگران مستقیماً دست به انتخاب شوراهای عمومی زدند. در برخی دیگر نقاط، همراه با شوراهای عمومی شوراهای محلی هم انتخاب شدند. در مسکو شوراهای محلی مستقیماً به شورای عمومی یا مرکزی، نماینده می‌فرستادند. در برخی نقاط دیگر اول انتخاب شوراهای محلی شروع می‌شد، و مجموعه‌ی این‌ها شورای ناحیه را به وجود می‌آورد.

به طور کلی هر شورا برای خود یک کمیته یا کمیسیون اجرایی، یا یک هیأت رهبری انتخاب می‌کرد. هر شورایی دست به ایجاد مراجع وابسته مختلفی از قبیل کمیسیون کمک به بیکاران، سازماندهی میتینگ‌ها، پخش انتشارات و تبلیغات، مسکن و غیره می‌زد. و هر جا که شورا رهبری قیام را در دست می‌گرفت، یا تبدیل به ابزار قدرت می‌شد، گروه‌های مسلح و میلیس نیز تشکیل می‌شدند. به علاوه شورا خود مسئولین مؤسساتی را که تحت کنترل شورا در می‌آمدند (پست و تلگراف، راه آهن) انتخاب می‌کرد. شوراهای از نیروی نظامی قابل ملاحظه‌ای نیز برخوردار بودند.

همه‌ی شوراهای چاپخانه و مطبوعات خود را نداشتند. بعضی از آن‌ها از مطبوعات قانونی یا مطبوعات حزبی استفاده می‌کردند. در برخی اوقات چاپ

نشریات از طریق در اختیار گرفتن چاپخانه ها صورت می گرفت. همه ی شوراهای دست به انتشار اعلامیه های می زدند که نفوذ خیلی زیادی در امر تهییج و ترویج داشت.

### ۱۹۱۷: ساختار جمهوری شوراهای

پایه های رژیم جدید که زانیده ی انقلاب اکتبر بود، شوراهای شهری و روستائی بودند.

شوراهای روستائی بر اساس یک نماینده برای هر صد نفر از ساکنین و یک نماینده برای هر بیست نفر کارگر کارخانه، یا معدن یا مزارع دولتی، یا واحدهای نظامی مستقر در محل انتخاب می شدند. نمایندگان در مجامع عمومی تمام ساکنین منطقه، که دارای حق رأی بودند، انتخاب می شدند. محلات مهم روستا می توانستند در مجامع جداگانه انتخابات خود را برگزار کنند. کارگران کارخانه، مستخدمین، مؤسسات و واحدهای نظامی مختلف انتخابات خود را در محل کارخانه، مؤسسه یا قرارگاه خود برگزار می کردند. قوانین جمهوری شوروی اوکراین و جمهوری شوروی روسیه، لزوم سازمان دادن شوراهای ملی را در تمام مناطقی که اقلیت های ملی حائز اهمیت اند در نظر می گرفت.

### وظایف اصلی شوراهای روستائی از این قرار بودند:

- الف) اعمال کنترل بر اجرای تمام قطعنامه های مراجع قدرت مافوق خود،
- ب) کمک به نمایندگان این مراجع در انجام وظایفشان در بخش،
- ج) اقدام در جهت بالا بردن سطح زندگی اقتصادی و فرهنگی مردم،

د) تضمین و حفظ نظام انقلابی و مبارزه بر علیه ضدانقلاب و دزدی و راهزنی،

ذ) استفاده از توده‌ی زحمتکش برای حفظ چاه‌ها و پل‌ها و غیره و برای مبارزه بر علیه فاجعه‌های طبیعی،

ر) کمک به حفظ جنگل‌ها، خطوط راه آهن، تلفن و تلگراف در منطقه‌ی شورا،

ز) تضمین بهره‌برداری کامل و صحیح از زمین‌ها،

ط) به انجام رساندن تقسیم اراضی و سازمان دادن ذخیره‌ی غلات،

ه) پشتیبانی از همکاری کشاورزان مزارع دولتی، تشکیل کتابخانه و...

ی) کمک به ریشه‌کن شدن بیسوادی و کار فرهنگی در میان اقلیت‌های ملی.

همه‌ی شوراهای محلی بودجه مستقل برای خود نداشتند؛ ولی با وجود این همه از حقوق قضایی برخوردار بودند، و حق امضای قرارداد داشتند.

شوراها عموماً به منظور درگیری تمام اعضای خود در فعالیت‌های مداوم اقدام به تشکیل کمیسیون‌های مخصوصی در اطراف خود می‌کردند. این کمیسیون‌ها، با اجازه‌ی شوراها حق داشتند همکاری ساکنینی را که عضو شورا نبودند ولی از حق رأی برخوردار بودند جلب کنند. هر شورا یک کمیسیون کنترل داشت، که به همان طریق خود شورا انتخاب می‌شد. و فعالیت‌های مالی آن‌ها را کنترل می‌کرد و حساب آن را در مقابل مجمع عمومی ساکنین پس می‌داد.

شوراهای شهری توسط تمام ساکنین حاضر در محل و دارای حق رأی، براساس یک نماینده برای هر صد نفر کارگر، سرباز ارتش سرخ یا عضو

میلیس و یک نماینده برای هر ۳۰۰ نفر کارکنان مؤسسات دولتی و خصوصی، یا سایر رده های انتخاباتی، انتخاب می شدند. وظیفه ی شوراهای شهر حل تمام مسائل محلی و بحث درباره ی تمام مسائل مورد علاقه ی عموم بود.

این مراجع بودجه مستقل خود را دارند و به کمک آن نقش فعالی در نوسازی و تحول اقتصاد توده ها و زندگی اجتماعی و فرهنگی ایفا می کنند. این بودجه به مصرف تمام امور محلی می رسد (...). ارگان رهبری شورا و پلنوم های آن اقلأ ماهی یکبار فرا خوانده می شود. وظیفه ی پلنوم بررسی و حل تمام مسائل اساسی مربوط به شورا و تصویب بودجه است.

جلسات شورا علنی بودند. در تمام جلسات نمایندگان کمیته ی کارخانه ها، سندیکاها، واحدهای ارتش و سایر سازمان ها با حق صحبت ولی بدون حق رأی، حق شرکت داشتند. به منظور برقرار کردن پیوند نزدیک تر با کارگران، شورا تا سرحد امکان جلسات خود را در محل کارخانه ها و انجمن ها و غیره برگزار می کرد.

نمایندگان شوراهای شهری به مدت ۱ سال انتخاب می شدند؛ یعنی تا انتخابات بعدی. اعضای شورا را، بدون اطلاع قبلی به رهبری شورا، نمی شد دستگیر کرد. به جز در شرایط استثنائی، در صورتی که رهبری در عرض ۲۴ ساعت از آن مطلع گردد.

بخش هایی که وظیفه ی به هم پیوند دادن توده های زحمتکش را برعهده داشتند در فعالیت های شورا از اهمیت عظیمی برخوردار بودند. این بخش ها عبارت بودند از:

الف) بخش اداری،



- (ب) بخش ملی،
- (ج) بخش آموزش همگانی،
- (د) بخش بهداشت،
- (ه) بخش تجارت و شرکت های تعاونی،
- (و) بخش بازرسی کارگری و دهقانی.

با موافقت شورا بخش می توانستند فعالیت های خود را به چند شعبه مستقل تقسیم کنند و یا بخش های جدیدی به وجود آورند (بخش اداری، قضائی، مسکن، بیمه های اجتماعی، کشاورزی). این بخش ها مسائل اساسی را که مراجع اجرائی به آن ها محول کرده بودند بررسی می کردند و در صورت لزوم، به منظور برقرار کردن نزدیک ترین پیوند با مراجع مختلف دستگاه های اجرائی و شرکت در جلسات و کمیسیون ها و کنفرانس های شورا و مطالعه ای مؤسسات مختلف و نظردهی در مورد مسائلی که پلنوم های شورا یا رهبری شورا به بخش محول کرده کمیسیون های دائمی از میان خود بر می گزیدند. برای بهبود فعالیت هایی که در زمینه ای فرهنگی و اداری، در خدمت توده های زحمتکش انجام می گیرد، و برای کمک به شوراهای شهری در حل مسائل اساسی تحول سوسیالیستی کشور، شوراهای محلی، به موازات شورای مرکزی، انتخاب می شدند، تحت رهبری آن عمل می کردند و در مقابل آن مسئول بودند.

مراجع عالی رژیم شوراهای کنگره ها و کمیته های اجرائی بودند. شوراهای روستائی هر محل، کنگره ای محل را به نسبت یک نماینده برای هر ده عضو شورا انتخاب می کردند. برای کنگره بخش تمام شوراهای روستائی، به نسبت یک نماینده برای هر هزار ساکن، و شوراهای شهری،

به نسبت یک نماینده برای هر دویست ساکن، نماینده انتخاب می کردند. کنگره های ایالتی براساس قواعد نمایندگی زیر انتخاب می شدند: یک نماینده برای هر ۱۰ هزار نفر از ساکنین (این نمایندگان در کنگره های محلی و استان ها انتخاب می شدند)؛ یک نماینده برای هر ۲ هزار نفر از شوراهای شهری و کارخانه ها. شوراهای ناحیه ای، هر جا که وجود داشتند، توسط نمایندگان شوراهای شهری و کنگره ی بخش، به نسبت یک نماینده برای هر ۲۵ هزار نفر و یک نماینده برای هر پنج هزار نفر از انتخاب کنندگان شهرنشین انتخاب می شدند. کنگره های شوراهای جمهوری فدرال براساس قواعد کنگره های ناحیه ای و یا ایالتی انتخاب می شدند. کنگره ی سرتاسری: روسیه کارگران، دهقانان، سربازان سرخ و قزاق ها براساس زیرین انتخاب می شدند.

(الف) از شوراهای شهری براساس یک نماینده از هر ۲۵ هزار نفر انتخاب کننده.

(ب) از کنگره های ایالتی به نسبت یک نماینده برای ۱۲۵ هزار نفر از ساکنین.

اختلاف ما بین شوراهای و کنگره در این بود که نمایندگان شوراهای برای مدت معینی (مثلاً برای ۱ سال) انتخاب می شدند، در صورتی که نمایندگان کنگره ها برای هر کنگره انتخاب می شدند و در پایان کنگره مقام خود را از دست می دادند و از آن ها صرفاً کمیته ی اجرایی منتخب کنگره به جا می ماند.

مرجع عالی رژیم شوراهای کنگره ی شوراهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود که در روز ۳۰ دسامبر ۱۹۲۲ تشکیل شد. وظایف اصلی آن به قرار زیر بود:

۱- انتخاب کمیته‌ی اجرایی مرکزی و تصویب اعضای شورای ملیت‌ها، منتخب جمهوری‌ها و نواحی خودمختار شوروی.

۲- تأیید و تعدیل مبانی اصلی قانون اساسی اتحاد شوروی سوسیالیستی.

۳- حل اختلافاتی که توسط مراجع رهبری و کمیسیون‌های رسیدگی به اختلافات حل نشده بودند.

۴- تعدیل مصوبات کمیته‌ی اجرایی مرکزی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی براساس پیشنهادات نمایندگان شوراها یا کمیته‌های اجرایی جمهوری‌های فدراتیو.

کمیته‌ی اجرایی مرکزی از شورای اتحاد شوروی و شورای ملیت‌ها تشکیل شده بود. این مراجع از حقوق کاملاً مساوی برخوردار بودند. شورای کمیسارهای خلق مرجع اجرایی کمیته‌ی مرکزی بود. مصوبات و قطعنامه‌های این شورا در سراسر اتحاد شوروی لازم‌الاجرا بودند.

در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی حق رأی همگانی وجود نداشت. پرولتاریا به هنگام در دست گرفتن قدرت، در اکتبر ۱۹۱۷، فریب احترام به دموکراسی صوری را نخورد و دیکتاتوری خود را برنشاند. در نتیجه‌ی پیدا شدن محدودیت‌های چندی در حقوق انتخاباتی امری منطقی است. بنابر قانون اساسی شوروی تمام افراد بالغ بیش‌تر از ۱۸ سال، چه مذکر چه مؤنث، که شرایط زیر را دارا بودند می‌توانستند در انتخابات شرکت کنند و یا انتخاب شوند:

الف) کلیه‌ی کسانی که معاش خود را از طریق کار مفید، یا انجام کارخانگی و فراهم آوردن امکان کار دیگران در خارج از خانه (مثلاً زنان خانه‌دار و یا

تمام افرادی که به نگهداری اطفال کارگران اشتغال دارند و غیره) بدست می آورند،

(ب) سربازان ارتش سرخ،

(ج) کلیه ی افرادی که شرایط الف و ب را دارا بوده اند ولی قدرت کارشان را از دست داده اند.

(د) خارجیانی که در سرزمین اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی زندگی و کار می کنند.

کسانی که نه حق انتخاب کردن داشتند و نه حق انتخاب شدن، حتی اگر در شمار رده بندی های بالا هم بودند عبارت بودند از:

الف) کسانی که در پی سود از کار مزدوری استفاده می کنند.

ب) کسانی که منبع زندگیشان درآمدی است که از کارشان سرچشمه نمی گیرد.

ج) تجار و واسطه های تجاری.

د) راهبین و عمال مسالک و مذاهب.

و) کارکنان و مأمورین پلیس سابق، و همچنین اعضای خاندان سلطنتی.

ه) افرادی که به اختلال حواس دچارند یا تحت قیمومیت هستند.

ی) کسانی که توسط دادگاه ها محکوم شده اند.

تاریخ مبارزات طبقاتی تا کنون شکل عالی تری از اعمال قدرت طبقاتی و دموکراسی توده ای عرضه نداشته است. ممکن است که بخش قابل

ملاحظه ای از توده ی استثمار شده هنوز معنی و اهمیت واقعی شوراها را ندانند. ولی با شعار "تمام قدرت به شوراها" بود که پرولتاریای روسیه

نظام سرمایه داری را در سال ۱۹۱۷ سرنگون کرد و بر اساس شوراها قدرت

را بدست گرفت. پیروزی کارگران بستگی به پیدایش، تحکیم و تسخیر قدرت بدست شوراها دارد.

منبع: کندوکاو شماره ۷

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: [yasharazarri@gmail.com](mailto:yasharazarri@gmail.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۶